



Financial Accounting Research

Financial Accounting Research

E-ISSN: 2322-3405

Vol. 14, Issue 1, No.51, Spring 2022, P:37-60

Received: 23.02.2022 Accepted: 09.08.2022

Research Article

The Effect of Real Earning Management on Going-the Concern Audit Opinions in Financially Distressed Firms

Narges Hamidian*: Assistant Professor in Accounting, University of Isfahan, Isfahan, Iran
n.hamidian@ase.ui.ac.ir

Mehdi Arabsalehi: Associate Professor in Accounting, University of Isfahan, Isfahan, Iran
Mehdi_arabsalehi@ase.ui.ac.ir

Majid Taghian: M.A in Accounting, University of Isfahan, Isfahan, Iran
mg.2369@yahoo.com

Abstract

Financial statement information is one of the potential sources used by auditors to assess the entity's going-concern determination. However, the numbers reported in the financial statements may not fully reflect all available information about entity's performance. Therefore, auditors' attention to non-financial factors is necessary when assessing the going-concern client. Earning management through manipulation of real activities can be one of the non-financial factors that are relevant to the likelihood of auditors' going-concern opinions considering its detrimental consequences on the long-term performance of the company, especially those with poor financial health. Hence, the purpose of this study was to investigate the effect of real earning management on the going-concern audit opinion for financially distressed firms. To achieve the research goal, the information related to 194 financially distressed firm-years listed in Tehran Stock Exchange (TSE) was collected for the period 2009-2019. The results showed that real earning management through operating cash flows and manipulation of discretionary expenses has a positive and significant effect on the likelihood of the going-concern uncertainty paragraph in the audit report; However, no evidence was found on the significant effect of real earning management through manipulation of production costs on the likelihood of the going-concern uncertainty paragraph in the audit report.

Keywords: Going-Concern Assumption, Going-Concern Opinion, Real Earning Management (REM), Financial Distress

* Corresponding author



تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسی درباره تداوم فعالیت در شرکت‌های درمانده مالی

نرگس حمیدیان^۱: استادیار گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان

n.hamidian@ase.ui.ac.ir

مهدی عرب صالحی: دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

Mehdi_arabsalehi@ase.ui.ac.ir

مجید تقیان: کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

mg.2369@yahoo.com

چکیده

اطلاعات صورت‌های مالی، یکی از منابعی است که حسابرسان برای ارزیابی وضعیت تداوم فعالیت استفاده می‌کنند؛ با این حال، ارقام صورت‌های مالی ممکن است عملکرد واحد تجاری را به‌طور کامل منعکس نکنند؛ بنابراین، در بررسی تداوم فعالیت، توجه حسابرسان به عوامل غیرمالی ضرورت دارد. مدیریت سود واقعی می‌تواند از جمله عوامل غیرمالی باشد که با در نظر گرفتن پیامدهای زیان‌بار آن بر عملکرد بلندمدت شرکت، به‌ویژه شرکت‌هایی با سلامت مالی ضعیف، احتمال می‌رود با اظهارنظر حسابرسان درباره تداوم فعالیت در ارتباط باشد. هدف این پژوهش، بررسی تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسان درباره تداوم فعالیت در شرکت‌های درمانده مالی است؛ بدین منظور، اطلاعات مربوط به ۱۹۴ سال - شرکت درمانده مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ جمع‌آوری شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهند مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی و هزینه‌های اختیاری تأثیر مثبت و معناداری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسان دارد؛ با این حال، شواهدی مبنی بر تأثیر معنادار مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسان یافت نشد.

واژه‌های کلیدی: فرض تداوم فعالیت، اظهارنظر حسابرسان، مدیریت سود واقعی، درماندگی مالی

مقدمه

مسئولیت حسابرسان برای ارزیابی تداوم فعالیت از مدت‌ها قبل موضوع بحث‌های زیادی بوده است [۴۵]. طبق فرض تداوم فعالیت، واحد مورد رسیدگی معمولاً واحدی فرض می‌شود که در آینده قابل پیش‌بینی به فعالیت خود ادامه می‌دهد. با توجه به اینکه تداوم فعالیت محور اصلی گزارشگری مالی محسوب می‌شود، براساس استانداردهای حسابرسی، حسابرسان موظف‌اند وضعیت تداوم فعالیت شرکت‌ها را به دقت ارزیابی کنند؛ بنابراین، دیگر به فرض تداوم فعالیت به عنوان مبنای تهیه صورت‌های مالی نگریسته نمی‌شود؛ بلکه مشابه یک فرضیه است که باید به منزله بخشی از فرآیند حسابرسی با شواهد مناسب تأیید شود [۷]. زاوگرن [۵۴] نیز معتقد است منطق اصلی الزام حرفه حسابرسی برای ارزیابی فرض تداوم فعالیت، ارائه هشدار زودهنگام به کاربران صورت‌های مالی درباره مشکلات احتمالی مالی به‌ویژه در شرکت‌های درمانده مالی است.

از جمله عوامل مؤثر بر صدور گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت، مدیریت سود واقعی است. مدیریت سود واقعی به سه دلیل احتمال دارد سبب شود حسابرسان مستقل، اظهارنظر خود را از بابت ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های درمانده مالی تعدیل کنند؛ نخست، مدیریت سود واقعی بر جریان‌های نقدی و سلامت مالی شرکت تأثیرات منفی دارد که این موضوع می‌تواند به عملکرد ضعیف شرکت در آینده از جمله کاهش سودآوری آتی منجر شود [۳۸]. باتوجه به اینکه سودآوری آتی، یک عامل مهم برای

پیش‌بینی ورشکستگی واحد تجاری است، مدیریت سود واقعی می‌تواند عدم اطمینان درخور توجهی درباره توانایی شرکت برای تداوم فعالیت ایجاد کند. دوم، با توجه به اینکه این شیوه دستکاری سود، سبب تضعیف عملکرد مالی شرکت می‌شود، ممکن است ریسک دادخواهی حسابرسان به خاطر زیان ذینفعان افزایش یابد. همچنین، به این دلیل که حسابرسان قدرت زیادی برای محدود کردن مدیریت سود واقعی ندارند، آنها ممکن است اقدام به صدور گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت به عنوان یک اقدام پیشگیرانه، برای محافظت از خود در برابر دعاوی حقوقی آینده کنند [۳۷]. سوم، حسابرسان به هنگام ارزیابی تداوم فعالیت صاحبکار از شک و تردید حرفه‌ای خود استفاده می‌کنند [۲۷]. با توجه به اینکه شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه‌اند، گزارش‌های مالی را به صورت فرصت طلبانه گزارش می‌کنند و چنین فرصت طلبی در گزارشگری مالی، اغلب در مدیریت سود واقعی منعکس می‌شود، انتظار می‌رود رفتار فرصت طلبانه مدیریت که در مدیریت سود واقعی انعکاس یافته است، سطح شک و تردید حرفه‌ای حسابرسان را افزایش دهد؛ درنهایت، افزایش شک و تردید حرفه‌ای می‌تواند به صدور گزارش حسابرسی با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت منجر شود [۵۲].

همچنین، اگرچه دلیل اصلی ورشکستگی شرکت‌ها تا حد زیادی ناشی از کمبود وجه نقد و نقدینگی است [۱۱]، با توجه به اینکه استفاده از ابزارهای مدیریت سود واقعی به ارتقای عملکرد مالی و نقدینگی شرکت‌ها در کوتاه‌مدت کمک می‌کند، ممکن است به کاهش احتمال انتشار

تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان ایفا می‌کند؛ بنابراین، نتایج پژوهش حاضر علاوه بر گسترش ادبیات حوزه مدیریت سود واقعی و گزارش حسابرسی، به ذینفعان و استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی نیز کمک می‌کند. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش بیان شده، سپس فرضیه‌ها و روش پژوهش و در انتها یافته‌ها و نتیجه‌گیری ارائه شده‌اند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تداوم فعالیت یک فرض بنیادین در حسابداری به‌شمار می‌رود و یکی از چالش‌برانگیزترین مفروضات بدیهی در حسابداری است [۴۲]. با توجه به اینکه فرض تداوم فعالیت یک اصل بنیادین در تهیه صورت‌های مالی است، حسابرسان در جریان برنامه‌ریزی و اجرای روش‌های حسابرسی و ارزیابی نتایج حاصل از آن باید مناسب بودن استفاده مدیریت از فرض تداوم فعالیت را در تهیه صورت‌های مالی بررسی کنند [۹].

در طول چند دهه گذشته، مسئولیت حسابرسان برای ارزیابی تداوم فعالیت به بحث و بررسی‌های بسیاری تبدیل شده است. این توجه، بیشتر به این دلیل است که به‌نظر می‌رسد حسابرسان تمایلی به افشای وجود مشکلات تداوم فعالیت شرکت صاحبکار در گزارش‌های حسابرسی ندارند. در واقع، در بسیاری از گزارش‌های حسابرسی شرکت‌ها در سال قبل از ورشکستگی، هیچ‌گونه اشاره‌ای به مسئله ابهام در تداوم فعالیت نشده است ([۳۳]، [۴۰]). علاوه بر این، نتایج مطالعات نشان می‌دهند مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی به میزان

گزارش تعدیل شده حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت از سوی حسابرسان منجر شود [۵۲]؛ ولی بیشتر پژوهش‌های پیشین ([۲۸]، [۵۵] و [۲۳]) شواهد متعددی در ارتباط با تأثیر منفی مدیریت سود واقعی بر عملکرد مالی آینده، ارزش شرکت، قیمت و بازده سهام فراهم کرده‌اند؛ همچنین، مدیریت سود واقعی موجب افزایش ریسک تجاری صاحبکار و نیز حسابرسان می‌شود ([۳۸]، [۳۰]). همچنین، در شرکت‌هایی که با بحران مالی مواجه‌اند، هزینه‌هایی انحراف از فعالیت‌های عادی عملیاتی به احتمال زیاد، بیشتر از شرکت‌های سالم خواهد بود [۵۳].

باتوجه به توضیحات بالا، انتظار می‌رود ارتباطی مثبت بین مدیریت سود واقعی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی وجود داشته باشد. در مطالعات داخلی، مطالعاتی در حوزه رابطه بین مدیریت سود واقعی و اظهارنظر حسابرسان وجود دارد؛ اما تا کنون پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود واقعی بر اظهارنظر حسابرسان درباره تداوم فعالیت شرکت‌های در مانده مالی نپرداخته است؛ بنابراین، بررسی نحوه ارتباط بین این دو متغیر ضروری به‌نظر می‌رسد؛ اما از دیدگاه کاربردی ضرورت این پژوهش، می‌توان گفت با توجه به رشد چشمگیر بازار بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های اخیر، اهمیت نقش حسابرسی مستقل به‌عنوان یکی از سازوکارهای حاکمیت شرکتی، بیش از پیش افزایش یافته است. نقش حسابرسی مستقل از آن نظر اهمیت دارد که حسابرسان، فاصله بین سرمایه‌گذاران و مدیران را متصل می‌سازد و حلقه ارتباطی بین آنها است. بدین ترتیب گزارش حسابرسی نقش بسزایی در

مدیریت سود برخوردارند. مدیریت سود از دو راه امکان‌پذیر است: مدیریت اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. در مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی اختیاری، رویه‌های حسابداری به کار گرفته شده مبتنی بر اصول پذیرفته‌شده حسابداری هستند؛ اما مدیریت تلاش می‌کند از طریق اقلام تعهدی اختیاری، سود شرکت را در راستای اهداف خود مدیریت کند [۴]. در مدیریت سود با استفاده از اقلام واقعی، فعالیت‌های واقعی شرکت به صورت عمدی دستکاری می‌شوند تا سود گزارش شده به هدف مدنظر مدیران نزدیک شود؛ این نوع روش مدیریت با تغییر در زمان‌بندی فعالیت‌ها یا تغییر در ساختار معاملات صورت می‌پذیرد [۲۴].

مطابق با پژوهش رویچودری [۴۴]، سه نوع ابزار مختلف برای انجام مدیریت سود واقعی وجود دارد که عبارت است از دستکاری فروش، تولید بیش از اندازه و کاهش هزینه‌های اختیاری. در رویکرد دستکاری فروش، مدیران با اعطای تخفیفات یا تسهیل در شرایط اعتباری فروش، سود دوره جاری را افزایش می‌دهند. در رویکرد تولید بیش از اندازه، مدیران می‌توانند با افزایش میزان تولید، هزینه‌های سربار ثابت تولید را به تعداد بیشتری از واحدهای تولیدشده، تخصیص و از این طریق، حاشیه سود محصولات را افزایش دهند. در روش سوم مدیریت سود واقعی، مخارجی مانند تحقیق و توسعه، تبلیغات یا هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، با هدف افزایش سود دوره جاری، کاهش می‌یابند.

باوجود اینکه مدیران به دلایل متعددی نظیر اجرای ساده‌تر و قابلیت کشف کمتر توسط حسابرسان، تحریف سود از طریق فعالیت‌های واقعی

چشمگیری بهتر از گزارشات حسابرسی توانسته‌اند ورشکستگی واحد تجاری را پیش‌بینی کنند [۱۳]. بر همین اساس، حسابرسان به دلیل ناتوانی در شناسایی شرکت‌هایی که تداوم فعالیت آنها با ابهام روبه‌رو است یا عدم تمایل آنها برای افشای عدم اطمینان درخصوص تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، انتقاد شده‌اند.

ارائه گزارش حسابرسی مطلوب برای شرکت‌هایی که پس از مدت کوتاهی ورشکسته می‌شوند، باعث افزایش بی‌اعتمادی به فعالیت حسابرسان مستقل شده است [۱۶]. این امر معمولاً هزینه‌های زیادی را به حسابرسان و صاحبان سهام تحمیل می‌کند. اگرچه استانداردهای حسابرسی به‌صراحت حسابرسان را ملزم به ارزیابی تداوم فعالیت صاحبکاران می‌کند، میزان اظهارنظرهای مطلوب در حالی که شرکت صاحبکار مدت کوتاهی پس از اظهارنظر حسابرسی درباره تداوم فعالیت، ورشکسته شده، تغییر نیافته است. دلایل این امر، ابهام در استانداردهای حسابرسی و وجود محدودیت در پردازش اطلاعات توسط انسان‌ها است [۴۸].

ازجمله مواردی که ممکن است در هنگام ارزیابی وضعیت تداوم فعالیت شرکت، به ایجاد چالش جدی برای حسابرسان منجر شود، تحریف سود توسط صاحبکار است [۱۰]. در مطالعات تجربی متعددی این تصور که رقم سود حسابداری، مهم‌ترین معیار برای ارزیابی عملکرد مدیریت توسط سرمایه‌گذاران است، به اثبات رسیده است. با توجه به تأثیر سود بر قیمت سهام، پاداش مدیران، قراردادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی و ... مدیران همواره از انگیزه‌های لازم برای دستکاری و

نسبت‌های مالی در تصمیم‌گیری خود برای انتشار گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت استفاده نمی‌کنند و در عوض ترجیح می‌دهند برخی دیگر از شاخص‌های بالقوه ورشکستگی را شناسایی کنند [۵۲]. مدیریت سود واقعی بر جریان‌های نقدی و سلامت مالی شرکت تأثیر منفی دارد که این موضوع می‌تواند به عملکرد ضعیف شرکت در آینده از جمله کاهش سودآوری آتی منجر شود [۲۲]؛ [۳۸]. با توجه به اینکه سودآوری مورد انتظار در آینده یک عامل پیش‌بینی‌کننده مهم ورشکستگی واحد تجاری است؛ در نتیجه، مدیریت سود واقعی می‌تواند عدم اطمینان چشمگیری درباره توانایی شرکت برای تداوم فعالیت ایجاد کند [۵۲].

دوم، مدیریت سود واقعی در مقایسه با مدیریت سود تعهدی، زیان‌بارتر است و به صورت مستقیم عملکرد مالی را کاهش می‌دهد. برخلاف مدیریت سود تعهدی، تا زمانی که نتایج مدیریت سود واقعی به نحو مناسب در صورت‌های مالی افشا شود، کمتر در معرض بررسی دقیق حسابرسان قرار می‌گیرد [۲۱]. با توجه به اینکه حسابرسان قدرت زیادی برای محدود کردن این شیوه از مدیریت سود ندارند، آنها ممکن است اقدام به صدور گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت به عنوان یک اقدام پیشگیرانه، برای محافظت از خود در برابر دعاوی حقوقی آینده کنند [۳۷].

سوم، حسابرسان به هنگام ارزیابی وضعیت تداوم فعالیت صاحبکار، شک و تردید حرفه‌ای خود را اعمال می‌کنند [۲۷]. مدیران شرکت‌های درمانده مالی تمایل دارند گزارش‌های مالی را به صورت فرصت‌طلبانه گزارش کنند؛ چنین فرصت‌طلبی مدیریت در گزارشگری مالی، اغلب در

را نسبت به ارقام تعهدی ترجیح می‌دهند، نتایج پژوهش‌های متعددی (نظیر [۵۵]، [۲۲]، [۵۱]) نشان می‌دهند دستکاری فعالیت واقعی، پیامدهای اقتصادی واقعی به همراه دارد و به صورت مستقیم موجب تضعیف عملکرد مالی شرکت می‌شود.

همچنین، در مطالعات پیشین، از درماندگی مالی به عنوان انگیزه‌ای یاد شده است که باعث افزایش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و ارائه گزارشات نادرست می‌شود [۳۴]. ادبیات مربوط به درماندگی مالی شرکت‌ها نشان می‌دهد زمانی که شرکت‌ها با مشکلات مالی مواجه می‌شوند، مدیران ممکن است برای حداکثرسازی پاداش‌های کوتاه‌مدت، دستیابی به شرایط قراردادهای مطلوب‌تر، کاهش صرف ریسک عدم پرداخت بدهی^۱ و افزایش ارزش شرکت، به ارائه گزارش‌های غیرصادقانه و مدیریت سود روی آورند [۴۵]، [۱۴]، [۱۷]، [۵۰، ۴۷]. چاریتو و همکاران [۲۰] نشان دادند مدیران شرکت‌های درمانده مالی، با اتخاذ رویکرد مدیریت سود رو به بالا، جایگاه شغلی خود را محکم‌تر می‌کنند یا برای دریافت پاداش بیشتر، قیمت سهام را به طور موقت، متورم می‌سازند.

مدیریت سود واقعی به سه دلیل می‌تواند سبب تعدیل اظهارنظر حسابرسان درباره ابهام در تداوم فعالیت به ویژه در شرکت‌های درمانده مالی شود. نخست، پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند حسابرسان به هنگام ارزیابی مسئله تداوم فعالیت صاحبکار، از نسبت‌های مالی به عنوان ابزار تصمیم‌گیری استفاده می‌کنند؛ اما موچلر [۴۳] طی مصاحبه با حسابرسان دریافت آنها لزوماً از تحلیل

^۱ default risk premium

پژوهشی به بررسی تأثیر لحن افشای اطلاعات مالی بر اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان دادند لحن افشای غیرعادی با احتمال بالاتر انتشار گزارش حسابرسی حاوی بند ابهام در تداوم فعالیت در ارتباط است. سیمامورا و هندارجانتو [۴۶] در پژوهشی به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس، تأخیر گزارش حسابرس، خرید اظهارنظر حسابرسی، نسبت نقدینگی و اهرم مالی و اظهارنظر حسابرس درباره تداوم فعالیت پرداختند. نتایج آنها نشان دادند شرکت‌هایی که اقدام به خرید اظهارنظر حسابرسی می‌کنند یا نسبت اهرم مالی بالاتری دارند، حسابرسان آنها تمایل بیشتری نسبت به صدور گزارش حسابرسی با بند ابهام تداوم فعالیت دارند. این در حالی است که دوره تصدی حسابرس، تأخیر گزارش حسابرسی و نسبت نقدینگی تأثیری بر اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت ندارد. ژو و همکاران [۵۲] در پژوهشی به بررسی تأثیر دستکاری فعالیت‌های واقعی بر تصمیمات حسابرس درباره صدور اظهارنظر نسبت به تداوم فعالیت شرکت‌های درمانده مالی پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از وجود یک رابطه مثبت و معنادار بین مدیریت سود فعالیت‌های واقعی و احتمال صدور اظهارنظر تعدیل‌شده حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌های درمانده مالی بود. گرینر و همکاران [۳۰] در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود متهورانه از طریق فعالیت‌های واقعی و حق‌الزحمه جاری و مورد انتظار حسابرسی پرداختند. نتایج نشان دادند به‌جز کاهش غیرعادی در هزینه‌های فروش، اداری و عمومی، مدیریت

مدیریت سود واقعی منعکس می‌شود ([۴۴]؛ [۵۳]). انتظار می‌رود به شکل چشمگیری، فرصت‌طلبی مدیریت که در مدیریت سود واقعی انعکاس یافته است، سطح شک و تردید حرفه‌ای حسابرسان را افزایش می‌دهد. درنهایت، افزایش شک و تردید حرفه‌ای می‌تواند به احتیاط و محافظه‌کاری در گزارش حسابرس منجر شود و در نتیجه، به تمایل بیشتر وی به صدور گزارش حسابرسی با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت منجر شود [۵۲].

بنابراین، در شرکت‌های درمانده مالی یک ارتباط مثبت بین مدیریت سود واقعی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی پیش‌بینی می‌شود. همچنین، مطابق با پژوهش‌های پیشین ([۲۵]، [۲۶] و [۵۲])، عوامل دیگری نیز بر اظهارنظر حسابرس نسبت به تداوم فعالیت مؤثرند؛ از جمله اندازه شرکت، جریان وجوه نقد عملیاتی، کیفیت سود، دوره تصدی حسابرس، ریسک ورشکستگی، زیان دوره جاری، نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها، تأخیر گزارش حسابرسی، بازده دارایی‌ها، بازده سهام و نوسان بازده سهام که در این پژوهش اثر آنها کنترل شده است. در ادامه، به برخی مطالعات مرتبط با پژوهش حاضر پرداخته شده است.

ژو و همکاران [۵۱] در پژوهشی به بررسی مدیریت سود واقعی در شرکت‌های ورشکسته پرداختند. آنها دریافتند در شرکت‌های ورشکسته احتمال دستکاری سود از طریق مدیریت سود واقعی، بیشتر از سایر شرکت‌ها است. همچنین، یک روند افزایشی از فعالیت‌های مدیریت سود واقعی در دوره ۵ ساله قبل از ورشکستگی در شرکت‌های ورشکسته وجود دارد. حسین و همکاران [۳۲] در

سود واقعی متهورانه باعث افزایش حق الزحمه جاری و مورد انتظار حسابرسی می‌شود.

جودی و منصورفر [۲] در پژوهشی به بررسی نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی‌دهنده و فریبندگی مدیریت سود پرداختند. نتایج آنها نشان دادند عدم تقارن اطلاعاتی تأثیر منفی بر مدیریت سود آگاهی‌دهنده و تأثیر مثبت بر مدیریت سود فریبنده دارد. همچنین، وجود کیفیت حسابرسی، شدت تأثیر منفی عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود آگاهی‌دهنده و شدت تأثیر مثبت عدم تقارن اطلاعاتی بر مدیریت سود فریبنده را تا حد چشمگیری کاهش می‌دهد.

خانی و همکاران [۳] در پژوهشی به بررسی رابطه کیفیت حسابرسی با استفاده از شاخص‌هایی از قبیل اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان با اظهارنظر حسابرسان نسبت به تداوم فعالیت پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان دادند بین اندازه مؤسسه حسابرسی و تخصص حسابرسان در صنعت و اظهارنظر حسابرسی از بابت ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری، رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

آشتاب و همکاران [۱] در پژوهشی مقایسه ابزارهای مدیریت سود در شرکت‌های درمانده مالی و شرکت‌های سالم را بررسی کردند. نتایج نشان دادند مدیران در شرکت‌های بحران‌زده مالی ترجیح می‌دهند برای خروج از شرایط بحران مالی، در سال‌های قبل از وقوع آن، با افزایش جریان‌های نقدی عملیاتی با افزایش فروش و کاهش بهای تمام‌شده تولید و کاهش اقلام تعهدی، به افزایش نقدینگی و سودآوری در مقایسه با شرکت‌های سالم بپردازند و از بین ابزارهای مدیریت سود، مدیران

شرکت‌های بحران‌زده مالی، مدیریت فعالیت‌های واقعی را نسبت به اقلام تعهدی ترجیح می‌دهند. سلیمانی امیری و رهنما [۶] در پژوهشی به بررسی تأثیر مدیریت سود واقعی بر نوع اظهارنظر حسابرسی پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که هیچ‌گونه رابطه معناداری بین نوع گزارش حسابرسی و مدیریت سود واقعی شامل تغییر در فروش، تغییر در هزینه‌های تولید و تغییر در هزینه‌های اختیاری وجود ندارد. مرادی و همکاران [۱۰] در پژوهشی به بررسی ارتباط بین مدیریت سود اقلام تعهدی و اظهارنظر مشروط حسابرسان درباره ابهام در تداوم فعالیت پرداختند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان دادند بین اقلام تعهدی اختیاری و اظهارنظر مشروط حسابرسان به دلیل ابهام با اهمیت در تداوم فعالیت صاحبکار، ارتباط مستقیم معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های پژوهش

۱. در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

۲. در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

۳. در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های اختیاری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

۱. اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرها، در طول

دوره پژوهش در دسترس باشد.

۲. به منظور مقایسه پذیر بودن اطلاعات، سال مالی

شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد.

۳. شرکت طی دوره مطالعه شده، سال مالی یا ماهیت

فعالیت خود را تغییر نداده باشد.

۴. به دلیل ماهیت متفاوت عملیات، جزء شرکت‌های

مالی، سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی نباشد.

بر اساس معیارهای فوق، تعداد ۱۷۶ شرکت در بازه

زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ انتخاب شدند. در نگاره (۱)

نحوه دستیابی به نمونه اولیه پژوهش بیان شده

است.

مطالعه حاضر، پژوهشی کاربردی - توصیفی از

نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی است که بر اساس

اطلاعات واقعی صورت‌های مالی و گزارش‌های

حسابرسی تهیه شده است. برای تجزیه و تحلیل

داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیونی

چندمتغیره استفاده شده و برای تخمین مدل‌ها

نرم‌افزار Eviews 10 استفاده شده است. جامعه

آماري شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق

بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۸ است.

شرکت‌های دارای معیارهای زیر به عنوان نمونه

آماري انتخاب شده‌اند:

نگاره ۱. نحوه دستیابی به نمونه اولیه پژوهش

۳۵۵	کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تا پایان سال ۱۳۹۸
	کسر می‌شود:
(۷۳)	تعداد شرکت‌هایی که اطلاعات مالی آنها طی دوره پژوهش در دسترس نبوده است
(۵۱)	تعداد شرکت‌هایی که سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نیست
(۲۲)	تعداد شرکت‌های فعال در بخش سرمایه‌گذاری، بیمه، بانک، لیزینگ و تأمین مالی
۱۷۶	تعداد شرکت‌های نمونه اولیه پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهش

درصدی برای شناسایی شرکت‌های درمانده مالی

برخوردارند. بر اساس دو معیار مذکور، در نهایت، ۵۵

شرکت و ۱۹۴ سال - شرکت درمانده، به عنوان

نمونه آماری پژوهش حاضر در نظر گرفته شده‌اند.

در نگاره (۲)، نحوه دستیابی به نمونه آماری

پژوهش برحسب تفکیک معیارهای درماندگی بیان

شده است.^۱

همچنین، بر اساس شرایط خاص درماندگی،

شرکت‌هایی به عنوان درمانده انتخاب شده‌اند که

دست‌کم یکی از معیارهای زیر را احراز کنند:

۱. برای دو سال متوالی سود قبل از بهره، مالیات و

استهلاک دارایی‌های مشهود و نامشهود شرکت

کمتر از هزینه بهره گزارش شده باشد یا در هر سال

سود قبل از بهره، مالیات و استهلاک شرکت کمتر از

۸۰ درصد هزینه بهره باشد [۱۵].

۲. مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت باشد؛ یعنی زیان

انباشته شرکت بیش از نصف سرمایه آن باشد.

این دو معیار بر اساس پژوهش علی‌اکبرلو و

همکاران [۸]، به ترتیب از دقتی بیش از ۹۵ و ۸۵

^۱ طبق نگاره (۲)، از ۱۷۶ شرکت نمونه اولیه، تعداد ۸۹ شرکت

بر اساس معیار اول یا دوم، حائز شرایط درماندگی هستند؛ ولی از این

تعداد، ۳۴ شرکت هر دو معیار را هم‌زمان داشته و به عبارتی مشترک

بوده‌اند؛ در نتیجه، نمونه نهایی ۵۵ شرکت درمانده است.

نگاره ۲. نحوه دستیابی به نمونه نهایی آماری پژوهش

تعداد شرکت‌های بررسی شده	۱۷۶ شرکت	۱۸۱۳ سال - شرکت
تعداد شرکت‌های مشمول معیار اول	۵۳ شرکت	۲۰۴ سال - شرکت
تعداد شرکت‌های مشمول معیار دوم	۳۶ شرکت	۱۳۴ سال - شرکت
تعداد شرکت‌هایی مشمول دست‌کم یکی از معیارهای درماندگی (نمونه نهایی پژوهش)	۵۵ شرکت	۱۹۴ سال - شرکت

منبع: یافته‌های پژوهش

مدل‌های پژوهش

$$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_PROD_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۲)$$

رابطه (۲) که در این رابطه، AB_PROD : هزینه‌های تولید غیرعادی، سایر متغیرها در رابطه (۱) شرح داده شدند. برای آزمون فرضیه دوم پژوهش ضریب β_1 در نظر گرفته شده است. اگر این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ مثبت و معنادار باشد، فرضیه دوم رد نمی‌شود. آزمون فرضیه سوم از طریق رابطه رگرسیونی (۳) انجام شده است:

$$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_EXP_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۳)$$

رابطه (۳) که در این رابطه، AB_EXP : هزینه‌های اختیاری غیرعادی. برای آزمون فرضیه سوم ضریب β_1 استفاده شده است. اگر این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ مثبت و معنادار باشد، فرضیه سوم پژوهش رد نمی‌شود.

نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی است. به پیروی از پژوهش خانی و همکاران [۳] این متغیر، یک متغیر مجازی است؛ در صورتی که بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی

برای آزمون فرضیه‌های به پیروی از پژوهش ژو و همکاران [۵۲] از روابط رگرسیونی (۱)، (۲) و (۳) استفاده شده است. با توجه به دو حالتی (صفر و یک) بودن متغیر وابسته، از مدل رگرسیون لجستیک با تابع لاجیت برای آزمون هر سه فرضیه استفاده شده است.

$$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_CFO_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۱)$$

رابطه (۱) که در این رابطه GC : وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، AB_CFO : جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی، $SIZE$: اندازه شرکت، CFO : جریان نقدی عملیاتی، ADA : کیفیت سود، $TENURE$: دوره تصدی حسابر، $ZSCORE$: ریسک ورشکستگی، $LOSS$: زیان دوره جاری، $ASSET$: نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها، LAG : تأخیر گزارش حسابر، ROA : بازده دارایی‌ها، $VOLATILITY$: انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام، $RETURN$: بازده سهام و ε : باقیمانده مدل

برای آزمون فرضیه اول پژوهش ضریب β_1 در نظر گرفته شده است. اگر این ضریب در سطح اطمینان ۹۵٪ مثبت و معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. برای آزمون فرضیه دوم از رابطه رگرسیونی (۲) استفاده شده است:

خالص سال جاری، $\Delta Sales_t$: تفاضل فروش خالص شرکت در پایان سال t از فروش خالص پایان سال $t-1$ ، $\Delta Sales_{i,t-1}$: تفاضل فروش خالص شرکت i در پایان سال $t-1$ از فروش خالص پایان سال $t-2$ ، $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده رابطه (۵) که نشان‌دهنده هزینه‌های تولید غیرعادی است. متغیرهای رابطه (۵) از طریق تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره قبل همگن شده‌اند.

ج) هزینه‌های اختیاری غیرعادی: این متغیر از طریق برآورد رابطه رگرسیونی (۶) محاسبه شده است؛ بدین صورت که باقیمانده رابطه (۶) نشان‌دهنده هزینه‌های اختیاری غیرعادی است.

$$Disc_{i,t} = \alpha_1 + \beta_1 Sales_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (۶)$$

که در این رابطه، $Disc$: هزینه‌های اختیاری شرکت، $S_{i,t-1}$: فروش خالص شرکت i در پایان سال $t-1$ و $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده رابطه (۶) است که نشان‌دهنده هزینه‌های اختیاری غیرعادی است. متغیرهای رابطه (۶) با تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره قبل همگن شده‌اند.

مطابق با مبانی نظری و پژوهش ژو و همکاران [۴۹]، متغیرهای کنترلی شامل اندازه، جریان‌های نقدی عملیاتی، کیفیت سود، دوره تصدی حسابرس، ریسک ورشکستگی، زیان دوره جاری، نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها، تأخیر گزارش حسابرسی، بازده دارایی‌ها، انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام و بازده سالانه سهام هستند که در ادامه علت استفاده آنها و نحوه محاسبه هر یک بیان شده است.

اندازه شرکت (**SIZE**): برابر است با لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان سال مالی. شرکت‌های بزرگ‌تر در شرایط بحران مالی، به دلیل برخورداری از قدرت مذاکره بیشتر با اعتباردهندگان و نیز منابع

باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن اختصاص می‌یابد.

متغیرهای مستقل شامل جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی است که معیارهای مدیریت سود واقعی در نظر گرفته شده‌اند. برای اندازه‌گیری معیارهای مدیریت سود واقعی از مدل‌های رگرسیونی ارائه‌شده از رویچودری [۴۴] به روش برآورد مقطعی استفاده شده است:

الف) جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی: برای اندازه‌گیری این متغیر رابطه رگرسیونی (۴) برآورد می‌شود؛ به نحوی که باقیمانده این رابطه، نشان‌دهنده جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی است.

$$CFO_{i,t} = \alpha_1 + \beta_1 Sales_{i,t} + \beta_2 \Delta Sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad (۴)$$

که در این رابطه؛ CFO : جریان‌های نقدی عملیاتی، $Sales$: فروش خالص، $\Delta Sales$: تغییرات فروش خالص سال جاری نسبت به سال قبل، $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده مدل که نشان‌دهنده جریان‌های نقد عملیاتی غیرعادی است. کلیه متغیرهای رابطه (۴) از طریق تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره قبل همگن شده‌اند.

ب) هزینه‌های تولید غیرعادی: برای اندازه‌گیری این متغیر رابطه رگرسیونی (۵) برآورد می‌شود؛ به نحوی که باقیمانده این رابطه نشان‌دهنده هزینه‌های تولید غیرعادی است.

$$Prod_{i,t} = \alpha_1 + \beta_1 Sales_{i,t} + \beta_2 \Delta Sales_{i,t} + \beta_3 \Delta Sales_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (۵)$$

که در این رابطه، $Prod$: نشان‌دهنده هزینه‌های تولید شرکت در پایان سال t است که از حاصل جمع بهای تمام‌شده درآمد عملیاتی و تغییرات در موجودی مواد و کالا به‌دست می‌آید، $Sales$: فروش

طولانی‌تر، حسابرس را قادر می‌سازد تا شواهد بیشتری کسب کند؛ این امر به حسابرس اجازه می‌دهد تا گزارش بهتری در رابطه با عدم اطمینان نسبت به تداوم فعالیت واحد تجاری ارائه کند [۱۸].

ریسک ورشکستگی (**ZSCORE**): هرچه ریسک ورشکستگی و درماندگی مالی شرکت بیشتر باشد، احتمال دریافت گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت نیز بالاتر خواهد بود [۵۲]. در این پژوهش، از مدل آلتمن [۱۲] که با رهنمای رود پستی و همکاران [۵] تعدیل شده، برای اندازه‌گیری ریسک ورشکستگی استفاده شده است. هرچه شاخص Z کمتر باشد، درجه بحران مالی و ریسک ورشکستگی شرکت بیشتر می‌شود.

$$Z = 1.2X_1 + 1.4X_2 + 3.3X_3 + 0.6X_4 + 0.99X_5 \quad (۸) \text{ رابطه}$$

که در این رابطه، X_1 : نسبت سرمایه در گردش (دارایی‌های جاری منهای بدهی‌های جاری) به کل دارایی‌های پایان سال، X_2 : نسبت سود انباشته به کل دارایی‌ها در پایان سال، X_3 : نسبت سود قبل از بهره و مالیات به کل دارایی‌ها در پایان سال، X_4 : نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری بدهی‌ها در پایان سال، X_5 : نسبت فروش به کل دارایی‌ها در پایان سال.

زیان دوره جاری (**LOSS**): شرکت‌های زیان‌ده احتمال شکست تجاری آنها بیشتر است [۵۲]. یک متغیر مجازی است؛ در صورتی که سود خالص سال جاری منفی باشد، عدد یک و در غیر این صورت، عدد صفر به آن تخصیص می‌یابد.

تأخیر گزارش حسابرسی (**LAG**): لگاریتم طبیعی فاصله زمانی بین تاریخ امضای گزارش حسابرسی و پایان سال مالی شرکت. در صورت وجود تأخیر

بیشتر این شرکت‌ها برای جلوگیری از ورشکستگی، ریسک کمتری برای دریافت گزارش با بند ابهام در تداوم فعالیت دارند [۴۳].

جریان‌های نقدی عملیاتی (**CFO**): برابر است با نسبت وجوه نقد عملیاتی به کل دارایی‌ها. جریان‌های نقدی عملیاتی ضعیف، بحران مالی شرکت را وخیم‌تر می‌کنند و احتمال ورشکستگی آن را افزایش می‌دهند [۳۵].

کیفیت سود (**ADA**): هرچه کیفیت سود کمتر باشد، احتمال دریافت گزارش تعدیل‌شده حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت نیز بیشتر است [۲۸]. برای سنجش کیفیت سود مطابق با پژوهش کوتاری و همکاران [۳۹] از مدل تعدیل‌شده جونز [۳۶] به شرح رابطه رگرسیونی (۷) به روش برآورد مقطعی استفاده شده است. در مدل مذکور، قدرمطلق باقیمانده‌ها نشان‌دهنده کیفیت سود است و مقادیر بالاتر آن، نشان‌دهنده کیفیت پایین‌تر سود گزارش شده است.

$$TAC_{i,t} = \alpha_1 + \beta_1 \Delta REV_{i,t} + \beta_2 PPE_{i,t} + \beta_3 ROA_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (۷) \text{ رابطه}$$

که در این رابطه، TAC: کل اقلام تعهدی (تفاضل سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه از جریان‌های نقدی عملیاتی)، ΔREV : تغییرات درآمد، PPE: ناخالص اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، ROA: نرخ بازده دارایی‌ها و $\varepsilon_{i,t}$: باقیمانده مدل. تمامی متغیرهای رابطه (۷) از طریق تقسیم بر جمع دارایی‌های پایان دوره قبل همگن شده‌اند.

دوره تصدی حسابرسی (**TENURE**): یک متغیر مجازی است. اگر دوره تصدی حسابرسی ۳ سال یا بیشتر باشد، برابر عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تخصیص می‌یابد. دوره تصدی

احتمال تعدیل گزارش حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت افزایش می‌یابد [۱۸].
 بازده سالانه سهام (RETURN): از نرم‌افزار ره آوردن‌وین استخراج شده است. نتایج پژوهش‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهند در کنار متغیرهای مربوط به صورت‌های مالی، متغیرهای دیگری نظیر بازده و نوسان سهام که نشان‌دهنده شرایط مالی صاحبکار است، بر تصمیمات حسابرسان درباره اظهارنظر نسبت به تداوم فعالیت شرکت، تأثیر گذارند [۱۸].

انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام (VOLATILITY): از بازده ماهانه سهام هر شرکت طی ۱۲ ماه انحراف استاندارد گرفته شده است.

یافته‌های پژوهش

به‌منظور تجزیه‌وتحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۳) ارائه شده است.

نگاره ۳: آمار توصیفی متغیرها

نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی	AB_CFO	-۰/۰۰۰۰۷	-۰/۰۰۰۰۴	۰/۸۲۵۵	-۰/۷۳۳۲	۰/۱۴۸۹
هزینه‌های تولید غیرعادی	AB_PROD	-۰/۰۰۰۰۷	۰/۰۰۰۰۹	۰/۲۸۱۳	-۰/۲۴۸۲	۰/۰۸۹۸
هزینه‌های اختیاری غیرعادی	AB_EXP	۰/۰۰۱۳	-۰/۰۰۰۸۰	۰/۱۴۴۹	-۰/۰۷۲۸	۰/۰۳۹۲
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۷۵۴۰	۱۳/۵۸۲۲	۲۰/۱۴۰۵	۱۰/۰۳۱۲	۱/۸۱۶۱
جریان نقدی عملیاتی	CFO	۰/۰۴۸۹	۰/۰۴۰۶	۰/۵۳۸۸	-۱/۳۱۱۰	۰/۱۶۰۷
کیفیت سود	ADA	۰/۱۱۲۰	۰/۰۸۴۸	۰/۸۰۴۹	۰/۰۰۰۵	۰/۱۰۷۲
ریسک ورشکستگی	ZSCORE	۱/۲۳۹۸	۰/۹۳۰۲	۱۵/۹۶۲۶	-۲/۶۵۵۴	۱/۹۲۶۸
نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها	ASSET	۰/۶۱۱۴	۰/۶۳۷۱	۰/۹۵۵۷	۰/۰۶۵۲	۰/۲۰۹۳
تأخیر گزارش حسابرسی	LAG	۴/۶۱۳	۴/۵۷۴۷	۵/۲۲۰۳	۳/۰۴۴۵	۰/۳۳۵۶
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۰۷۱۹	-۰/۰۵۹۷	۰/۲۱۸۵	-۰/۴۰۴۴	۰/۰۹۷۱
انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام	VOLATILITY	۰/۱۷۸۶	۰/۱۴۸۷	۱/۸۷۵۸	۰/۰۲۶۷	۰/۱۵۴۷
بازده سالانه سهام	RETURN	۰/۷۵۸۸	۰/۱۱۸۰	۹/۱۹۴۳	-۰/۶۵۸۰	۱/۷۹۶۷

منبع: یافته‌های پژوهش

بیشتر در انتشار گزارش حسابرسی، احتمال تعدیل اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت، بیشتر است [۲۶].
 نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها (ASSET): نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها شاخصی برای اندازه‌گیری ایفای تعهدات و میزان نقدینگی شرکت است. هرچه نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها کوچک‌تر باشد، احتمال دریافت گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت نیز بیشتر می‌شود [۵۲]. برابر است با تقسیم دارایی‌های جاری بر کل دارایی‌ها.

بازده دارایی‌ها (ROA): برابر است با تقسیم سود خالص قبل از اقلام غیرمترقبه بر کل دارایی‌ها در پایان سال مالی. بازده دارایی‌ها، اثربخشی مدیریت در ایجاد سود از کل سرمایه‌گذاری در دارایی‌ها را نشان می‌دهد. شرکت‌هایی که سودآوری کمتری دارند، ریسک بیشتری نیز برای ورشکست شدن دارند؛ ازاین‌رو، با کاهش سودآوری شرکت‌ها،

غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی هزینه‌های اختیاری غیرعادی، به ترتیب برابر با ۰/۱۴۸۹، ۰/۰۸۹۸ و ۰/۰۳۹۲ است. با کنار هم قرار دادن و مقایسه انحراف معیار و مقادیر بیشنه و کمینه مربوط به این متغیرها استنباط می‌شود مدیریت سود واقعی با دستکاری در جریان‌های نقدی عملیاتی، نسبت به دو معیار دیگر مدیریت سود واقعی، دارای بیشترین میزان پراکندگی در شرکت‌های مطالعه شده است. در نگاره (۴)، آمار توصیفی شاخص‌های مدیریت سود واقعی در شرکت‌های با بند ابهام در تداوم فعالیت و شرکت‌های بدون بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی مقایسه شده است.

میانگین، مهم‌ترین شاخص مرکزی، نشان‌دهنده مرکز ثقل جامعه بوده و شاخص مناسبی برای نشان‌دادن مرکزیت داده‌ها است. با توجه به نگاره (۳)، میانگین معیارهای مدیریت سود واقعی شامل جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، هزینه‌های تولید غیرعادی هزینه‌های اختیاری غیرعادی، به ترتیب برابر با ۰/۰۰۰۰۰۷، -۰/۰۰۰۰۷ و ۰/۰۱۳ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این سه متغیر در این نقاط تمرکز یافته‌اند. یکی از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است که نشان‌دهنده میزان پراکندگی مشاهدات از میانگین است. انحراف معیار متغیرهای سنجش مدیریت سود واقعی، یعنی جریان‌های نقدی عملیاتی

نگاره ۴. آمار توصیفی متغیرهای مستقل پژوهش بر حسب تفکیک نوع اظهارنظر حسابرسی

شرکت‌های با بند ابهام در تداوم فعالیت						
نام متغیر	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی	AB_CFO	-۰/۰۳۶۱	-۰/۰۶۲۵	۰/۲۵۹۱	-۰/۳۴۵۷	۰/۱۷۳۱
هزینه‌های تولید غیرعادی	AB_PROD	-۰/۰۱۹۲	-۰/۰۲۰۰	۰/۱۰۴۴	-۰/۲۳۶۷	۰/۰۹۱۹
هزینه‌های اختیاری غیرعادی	AB_EXP	-۰/۰۰۸۱	-۰/۰۰۶۷	۰/۰۲۷۴	-۰/۰۴۴۲	۰/۰۲۰۶
شرکت‌های بدون بند ابهام در تداوم فعالیت						
جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی	AB_CFO	۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۰۱	۰/۸۲۵۵	-۰/۷۳۳۲	۰/۱۴۶۹
هزینه‌های تولید غیرعادی	AB_PROD	۰/۰۰۰۷	۰/۰۰۲۴	۰/۲۸۱۳	-۰/۲۴۸۲	۰/۰۸۹۷
هزینه‌های اختیاری غیرعادی	AB_EXP	۰/۰۰۲۱	۰/۰۰۸۰	۰/۱۴۴۹	-۰/۰۷۲۸	۰/۰۴۰۳

منبع: یافته‌های پژوهش

تولید بیش از حد معمول (مثبت) هستند. طبق نگاره (۴) میانگین و میانه جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، تولید غیرعادی و هزینه‌های اختیاری غیرعادی برای شرکت‌هایی که در گزارش حسابرسی آنها بند ابهام در تداوم فعالیت درج شده، کمتر از شرکت‌هایی است که از حساب‌برسان خود گزارش حسابرسی مطلوب دریافت کرده‌اند.

طبق ادبیات پژوهش، مدیران شرکت‌های مشکوک به مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی با اقداماتی از قبیل اعطای تخفیف فروش و تسهیل شرایط اعتباری فروش، صرفه‌جویی در هزینه‌های اختیاری و تولید بیش از اندازه اقدام به دستکاری سود می‌کنند؛ این اقدامات دارای اثراتی نظیر هزینه‌های اختیاری و جریان‌های نقد عملیاتی کمتر از حد معمول (منفی) و همچنین، هزینه‌های

تخمین این روابط رگرسیونی، از الگوی رگرسیون لجستیک با تابع لاجیت استفاده شده است. مهم‌ترین ویژگی رگرسیون لجستیک این است که نیازی به برقراربودن فروض نرمال بودن و همسانی ماتریس‌های کواریانس نیست؛ با این حال برای تخفیف اثر ناهمسانی واریانس احتمالی، از تصحیح White^۱ در تخمین مدل استفاده شده است. برای بررسی وجود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی از معیار عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. نتایج نشان دادند مقدار آماره VIF برای همه متغیرها کمتر از ۲ بوده که نشان‌دهنده نبود هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی است.^۲ همچنین، برای بررسی نیکویی برازش رگرسیون لاجیت، از روش‌های رایج همانند نسبت راست‌نمایی (log likelihood)، ضریب تعیین مک - فادن، و آزمون هاسمر - لمشو استفاده شده است. نتایج آزمون هاسمر - لمشو در نگاره (۵) ارائه شده‌اند.

استدلال می‌شود با توجه به اینکه مدیریت سود واقعی با دستکاری تولید (تولید بیش از اندازه) نیاز به صرف هزینه سرمایه بیشتر و همچنین، هزینه نگهداری موجودی کالای بیشتر است و همچنین، مدیران شرکت‌های درمانده‌ای که در گزارش حسابرسی آنها به موضوع ابهام در تداوم فعالیت اشاره شده است، با شرایط مالی وخیم‌تر و محدودیت‌های افزایش نیافتن هزینه بیشتر نسبت به دیگر شرکت‌های درمانده مواجه‌اند؛ بنابراین، مدیران این‌گونه شرکت‌ها به روش تولید بیش از اندازه به‌عنوان یکی از روش‌های مدیریت سود واقعی دست نمی‌زنند و برای افزایش سود دوره جاری، بیشتر مایل به کاهش هزینه‌های اختیاری و افزایش فروش با اعطای تخفیفات بیشتر به مشتریان هستند.

نحوه آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه‌ها از روابط رگرسیونی (۱)، (۲) و (۳) استفاده شده است. با توجه به دوجویی (صفر و یک) بودن متغیر وابسته پژوهش برای

نگاره ۵. نتایج حاصل از آزمون نیکویی برازش هاسمر - لمشو

مدل پژوهش	آماره کای دو (χ^2)	احتمال آماره کای دو	نتیجه
رابطه رگرسیونی (۱)	۲/۵۵۱۸	۰/۹۵۹۳	نیکویی برازش
رابطه رگرسیونی (۲)	۳/۹۸۶۷	۰/۸۵۸۳	نیکویی برازش
رابطه رگرسیونی (۳)	۴/۶۳۶۳	۰/۷۹۵۷	نیکویی برازش

منبع: یافته‌های پژوهش

قدرت نیکویی برازش مدل است. اگر معناداری آماره هاسمر - لمشو بیشتر از ۵ درصد باشد، نشان‌دهنده نیکویی برازش مدل است. طبق نتایج نگاره (۵)، احتمال آماره هاسمر - لمشو بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین، با اطمینان ۹۵٪، روابط رگرسیون استفاده شده برای آزمون فرضیه‌ها از نیکویی برازش برخوردارند.

آزمون هاسمر - لمشو مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده متغیر وابسته را به طبقاتی، دسته‌بندی و در هر طبقه، میزان برابری مقادیر پیش‌بینی شده و واقعی را مقایسه و بر اساس این مقایسه‌ها، آماره هاسمر - لمشو را ارائه می‌کند. در این آماره، فرض صفر نشان‌دهنده برابری مقادیر پیش‌بینی شده و واقعی متغیر وابسته است که حاکی از بالابودن

^۱ در تصحیح وایت (White) برای تخمین مدل از انحراف معیار سازگار شده با ناهمسانی واریانس استفاده می‌شود (ولدریج، [۴۹]: فصل ۱۰).

^۲ به دلیل محدودیت در تعداد صفحات مقاله، نتایج آماره VIF گزارش نشده‌اند.

نتایج آزمون فرضیه اول

فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد. برای آزمون این فرضیه از رابطه رگرسیونی (۱) استفاده شده است؛ نتایج آن به شرح نگاره (۶) است.

براساس فرضیه اول، در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی با دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم

نگاره ۶. نتایج حاصل از برآورد رابطه (۱)

$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_CFO_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
P-value	آماره Z	انحراف معیار	ضریب	نماد	نام متغیر
۰/۴۷۲۱	-۰/۷۱۸۹	۵/۲۴۲۵	-۳/۷۶۹۰	C	عرض از مبدأ
۰/۰۲۷۲	۲/۲۰۸۹	۳/۶۶۵۸	۸/۰۹۵۷	AB_CFO	جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی
۰/۰۲۱۸	-۲/۲۹۴۵	۰/۱۰۸۷	-۰/۲۴۹۴	SIZE	اندازه شرکت
۰/۰۱۴۳	۲/۴۴۹۸	۳/۷۹۲۶	۹/۲۹۱۳	CFO	جریان نقدی عملیاتی
۰/۰۵۷۱	۱/۹۰۲۴	۲/۵۳۰۴	۴/۸۱۳۹	ADA	کیفیت سود
۰/۵۱۵۴	-۰/۶۵۰۵	۰/۷۶۴۱	-۰/۴۹۷۱	TENURE	دوره تصدی حسابرس
۰/۳۰۰۷	-۰/۰۳۵۰	۰/۱۲۱۴	-۰/۱۲۵۷	ZSCORE	ریسک ورشکستگی
۰/۲۳۶۶	۱/۱۸۳۵	۱/۰۱۸۹	۱/۲۰۵۹	LOSS	زیان دوره جاری
۰/۰۰۶۸	-۲/۷۰۶۸	۱/۳۹۰۱	-۳/۷۶۲۸	ASSET	نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها
۰/۳۹۲۴	۰/۸۵۵۲	۱/۲۳۸۹	۱/۰۵۹۶	LAG	تأخیر گزارش حسابرسی
۰/۰۷۱۶	-۱/۸۰۱۷	۳/۰۲۰۱	-۵/۴۴۱۵	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۱۶۱۷	-۱/۳۹۹۲	۳/۷۵۲۳	-۵/۲۵۰۴	VOLATILITY	انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام
۰/۰۰۹۳	۲/۶۰۱۵	۰/۱۴۹۰	۰/۳۸۷۶	RETURN	بازده سالانه سهام
۰/۲۶۳۴		ضریب تعیین مک - فادن	۲۵/۹۶۵۶		(LR) آماره نسبت درست‌نمایی
-۳۶/۲۹۳۳		احتمال log likelihood	۰/۰۱۰۸		احتمال آماره نسبت درست‌نمایی

منبع: یافته‌های پژوهش

با بررسی آماره Z مربوط به متغیر جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی و مقدار احتمال که برابر ۰/۰۲۷۲ است، مشخص می‌شود سطح خطای آماره مذکور، کمتر از سطح خطای ۵ درصد است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، مدیریت سود واقعی با دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی، تأثیر معناداری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی دارد. همچنین، مقدار ضریب به دست آمده برای متغیر جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی، مثبت و برابر ۸/۰۹۵۷ است؛ بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود؛ به بیان دیگر، در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی با دستکاری جریان‌های نقدی عملیاتی بر

با توجه به نتایج نگاره (۶)، مقدار آماره نسبت درست‌نمایی برابر با ۲۵/۹۶۵۶ است. این آماره، نقش آماره F در رگرسیون خطی معمولی را دارد و برای آزمون میزان اعتبار برازش کل مدل، استفاده می‌شود. با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره نسبت درست‌نمایی ۰/۰۱۰۸ است و سطح خطای آن کمتر از ۵ درصد است، الگوی رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. در رگرسیون لجستیک برای آزمون معناداری ضرایب برآورد شده، از آماره Z استفاده می‌شود. اگر سطح معناداری آماره Z مربوط به متغیر توضیحی کمتر از سطح خطای مدنظر باشد، معناداری ضریب مربوطه به لحاظ آماره پذیرفته می‌شود.

likelihood از دیگر روش‌های رایجی است که با استفاده از آن، میزان نیکویی برآزش الگوی رگرسیون لجستیک با تابع لاجیت بررسی می‌شود. طبق نگاره (۶)، مقدار آماره یادشده برابر ۳۶/۲۹۳۳- است. هرچه قدرمطلق این آماره بزرگ‌تر باشد، میزان نیکویی مدل برآزش شده نیز بالاتر است.

نتایج آزمون فرضیه دوم

طبق فرضیه دوم در شرکت‌های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی با دستکاری هزینه‌های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد. نتایج آزمون این فرضیه با رابطه رگرسیونی (۲) در نگاره (۷) ارائه شده‌اند.

نگاره ۷. نتایج حاصل از برآورد رابطه (۲)

$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_PROD_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
P-value	Z آماره	انحراف معیار	ضریب	نماد	نام متغیر
۰/۷۱۹۵	-۰/۳۵۹۰	۴/۵۵۵۵	-۱/۶۳۵۸	C	عرض از مبدأ
۰/۰۵۴۴	-۱/۹۲۳۸	۳/۴۷۳۱	-۶/۶۸۱۸	AB_PROD	هزینه‌های تولید غیرعادی
۰/۰۷۰۶	-۱/۸۰۸۲	۰/۱۲۴۵	-۰/۲۲۵۲	SIZE	اندازه شرکت
۰/۶۰۸۴	-۰/۵۱۲۳	۱/۷۱۵۳	-۰/۸۷۸۸	CFO	جریان نقدی عملیاتی
۰/۰۵۲۷	۱/۹۳۷۲	۲/۲۲۸۷	۴/۳۱۷۷	ADA	کیفیت سود
۰/۳۶۷۶	-۰/۹۰۰۹	۰/۸۰۵۴	-۰/۸۷۲۶	TENURE	دوره تصدی حسابرس
۰/۴۲۹۲	-۰/۷۹۰۶	۰/۱۰۳۸	-۰/۰۸۲۰	ZSCORE	ریسک ورشکستگی
۰/۰۸۶۴	۱/۷۱۴۶	۰/۹۳۷۵	۱/۶۰۷۴	LOSS	زیان دوره جاری
۰/۰۰۴۷	-۲/۸۲۳۹	۱/۰۱۳۴	-۳/۸۶۹۱	ASSET	نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها
۰/۵۴۲۳	۰/۶۰۹۳	۱/۰۱۳۴	۰/۶۱۷۶	LAG	تأخیر گزارش حسابرسی
۰/۰۵۳۶	-۱/۹۳۰۳	۳/۲۲۴۴	-۶/۲۲۴۳	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۱۶۶۰	-۱/۳۸۵۰	۴/۱۰۴۷	-۵/۶۸۵۳	VOLATILITY	انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام
۰/۰۳۴۰	۲/۱۲۰۶	۰/۱۶۲۴	۰/۳۴۴۴	RETURN	بازده سالانه سهام
۰/۲۵۲۹	ضریب تعیین مک - فادن		۲۴/۹۲۵۹		(LR) آماره نسبت درست‌نمایی
-۳۶/۸۱۳۲	احتمال log likelihood		۰/۰۱۵۱		احتمال آماره نسبت درست‌نمایی

منبع: یافته‌های پژوهش

است. با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره مذکور کمتر از سطح خطای ۵ درصد است، الگوی

احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد. از بین متغیرهای کنترلی نیز جریان نقدی عملیاتی و بازده سالانه سهام، رابطه مثبت و معنادار و متغیرهای اندازه شرکت و نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها رابطه منفی و معنادار با احتمال درج بند ابهام در تداوم فعالیت، در گزارش حسابرسی دارند.

با توجه به نتایج ارائه‌شده در نگاره (۶)، ضریب تعیین مک فادن برابر ۰/۲۶۳۴ است؛ به این دلیل که متغیر جریان‌های نقدی عملیاتی غیرعادی به همراه متغیرهای کنترلی، در مجموع می‌توانند حدود ۲۶٪ از احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت، در گزارش حسابرسی را توضیح دهند. احتمال log

مطابق با نگاره (۷)، مقدار آماره نسبت درست‌نمایی برابر ۲۴/۹۲۵۹ و احتمال آن ۰/۰۱۵۱

می‌شود. همچنین، نتایج نشان از وجود ارتباط منفی و معنادار بین نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها و متغیر وابسته دارد. علاوه بر این، بین بازده سالانه سهام با احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. این ارتباط مثبت به این صورت تفسیر می‌شود که هرچه کیفیت سود شرکت پایین‌تر باشد، احتمال درج بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی نیز بیشتر می‌شود.

نتایج آزمون فرضیه سوم

بر اساس فرضیه سوم در شرکت‌های در مانده مالی، مدیریت سود واقعی با دستکاری هزینه‌های اختیاری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت دارد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با استفاده از رابطه رگرسیونی (۳) در نگاره (۸) ارائه شده‌اند.

نگاره ۸. نتایج حاصل از برآورد رابطه (۳)

$GC_{i,t} = \alpha + \beta_1 AB_EXP_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 CFO_{i,t} + \beta_4 ADA_{i,t} + \beta_5 TENURE_{i,t} + \beta_6 ZSCORE_{i,t} + \beta_7 LOSS_{i,t} + \beta_8 ASSET_{i,t} + \beta_9 LAG_{i,t} + \beta_{10} ROA_{i,t} + \beta_{11} VOLATILITY_{i,t} + \beta_{12} RETURN_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
P-value	Z	انحراف معیار	ضریب	نماد	نام متغیر
۰/۶۲۰۵	-۰/۴۹۵۱	۵/۴۰۴۴	-۲/۶۷۵۸	C	عرض از مبدأ
۰/۰۴۴۷	۲/۰۰۷۲	۷/۳۰۲۶	۱۴/۶۵۸۰	AB_EXP	هزینه‌های اختیاری غیرعادی
۰/۰۰۵۷	-۲/۷۶۴۹	۰/۱۲۲۴	-۰/۳۳۸۶	SIZE	اندازه شرکت
۰/۶۶۸۰	۰/۴۲۸۸	۱/۱۵۱۶	۰/۶۶۵۴	CFO	جریان نقدی عملیاتی
۰/۲۹۱۹	۱/۰۵۳۸	۳/۲۸۴۹	۳/۴۶۱۹	ADA	کیفیت سود
۰/۳۳۳۹	-۰/۹۶۶۲	۰/۸۲۹۰	-۰/۸۰۱۰	TENURE	دوره تصدی حسابرس
۰/۸۱۳۰	۰/۲۳۶۵	۰/۱۳۵۸	۰/۰۳۲۱	ZSCORE	ریسک ورشکستگی
۰/۵۴۱۵	۰/۶۱۰۶	۱/۰۵۴۴	۰/۶۴۳۸	LOSS	زیان دوره جاری
۰/۰۰۹۱	-۲/۶۰۹۳	۱/۳۷۹۲	-۳/۵۹۹۰	ASSET	نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها
۰/۳۳۴۸	۰/۹۶۴۵	۱/۳۱۹۱	۱/۲۷۲۳	LAG	تأخیر گزارش حسابرسی
۰/۰۱۲۲	-۲/۵۰۶۸	۳/۲۳۹۴	-۸/۱۲۰۵	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۲۴۷۶	-۱/۱۵۶۲	۳/۹۶۷۵	-۴/۵۸۷۶	VOLATILITY	انحراف استاندارد بازده ماهانه سهام
۰/۱۵۶۴	۱/۴۱۷۳	۰/۱۵۸۸	۰/۲۲۵۲	RETURN	بازده سالانه سهام
۰/۲۴۴۳			۲۴/۰۸۱۶		(LR) آماره نسبت درست‌نمایی
-۳۷/۲۳۵۳			۰/۰۱۹۸		احتمال آماره نسبت درست‌نمایی

منبع: یافته‌های پژوهش

رگرسیونی در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار است. همچنین، ضریب تعیین مک فادن برابر ۰/۲۵۲۹ است؛ به این معنی که متغیر هزینه‌های تولید غیرعادی به همراه متغیرهای کنترلی، در مجموع حدود ۲۵٪ از احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت، در گزارش حسابرسی را توضیح داده‌اند. همچنین، مقدار log راست‌نمایی به‌عنوان دیگر شاخص نیکویی برازش نیز برابر ۳۶/۸۱۳۲- است که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل است.

طبق نگاره (۷)، مقدار احتمال آماره Z برای ضریب متغیر مستقل، یعنی هزینه‌های تولید غیرعادی، برابر با ۰/۰۵۴۴ است که بیشتر از ۵ درصد است؛ بنابراین، در سطح اطمینان ۹۵٪، شواهد کافی برای پذیرش وجود ارتباط معنادار بین مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های تولید و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی، به‌دست نیامد و فرضیه دوم رد

تمایل زیادی نسبت به ارزیابی موقعیت مالی و تداوم فعالیت واحدهای تجاری دارند. یکی از اتکاپذیرترین راه‌ها برای کسب آگاهی از تداوم فعالیت واحدهای تجاری، استفاده از گزارش حسابرسان مستقل است. اگر حسابرس درخصوص توانایی شرکت برای تداوم فعالیت تردید اساسی دارد، باید یک بند توضیحی درباره احتمال عدم تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی خود قید کند. از جمله راهکارهایی که مدیران شرکت‌های درمانده مالی ممکن است برای مخفی نگاه داشتن عملکرد ضعیف خود، جلوگیری از نقض قراردادهای استقراض، فشار بازار سرمایه و به تأخیر انداختن ورشکستگی از آن استفاده کنند، مدیریت سود است و از بین ابزارهای مدیریت سود، به دلیل تأثیر فوری، قابلیت کشف کمتر توسط حسابرسان و به‌عنوان یک استراتژی مؤثر برای افزایش نقدینگی و سودآوری، از مدیریت سود فعالیت‌های واقعی استفاده می‌کنند.

مدیریت سود با دستکاری فعالیت‌های واقعی، کمتر در معرض کشف حسابرس قرار می‌گیرد. همچنین، حسابرسان، قدرت زیادی برای محدود کردن این شیوه از مدیریت سود ندارند؛ در نتیجه، آنها ممکن است اقدام به صدور گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت، به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه، برای محافظت از خود در برابر دعاوی حقوقی آینده کنند [۳۷]؛ بنابراین، هنگامی که صاحبکار مبادرت به مدیریت سود واقعی می‌کند، حسابرسان به جای کناره‌گیری از عملیات حسابرسی، احتمالاً متمایل به ارائه گزارش حسابرسی با بند ابهام در تداوم فعالیت باشند. همچنین، مدیران شرکت‌های درمانده مالی تمایل

طبق نگاره (۸) مقدار احتمال آماره نسبت درست‌نمایی برابر $0/0198$ و کمتر از سطح خطای 5% است که نشان‌دهنده معنادار بودن مدل رگرسیونی در سطح اطمینان 95% است. با بررسی مقدار ضریب تعیین مک‌فادن در نگاره (۸) که برابر $0/2443$ است، متغیرهای توضیحی، حدود 24% از احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی را توضیح دادند.

با توجه به نگاره (۸)، سطح معناداری آماره t ضریب متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی برابر با $0/0447$ و کمتر سطح خطای 5% است؛ بنابراین، با اطمینان 95% ، مدیریت سود واقعی با دستکاری هزینه‌های اختیاری بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت واحد تجاری در گزارش حسابرسی، تأثیر معناداری دارد. همچنین، مقدار ضریب به‌دست‌آمده برای متغیر هزینه‌های اختیاری غیرعادی، مثبت و برابر $14/6580$ است که نشان‌دهنده تأثیر مثبت هزینه‌های اختیاری غیرعادی بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی است. همچنین، با توجه به ضرایب منفی و معنادار متغیرهای اندازه شرکت، نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها و بازده دارایی‌ها این نتایج به‌دست‌آمده به این صورت تفسیر می‌شود با افزایش اندازه شرکت، نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌ها و بازده دارایی‌ها و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

رقابت روزافزون بین واحدهای تجاری، دستیابی به سود را محدود و احتمال ورشکستگی را افزایش داده است؛ از این رو، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان،

با این حال، تخفیفات و شرایط فروش اعتباری آسان تر، کاهش در جریان های وجوه نقدی عملیاتی را در پی خواهد داشت. همچنین، این گونه اقدامات فرصت طلبانه، به کاهش عملکرد عملیاتی بلندمدت شرکت از جمله کاهش سودآوری آتی منجر می شود؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان های نقدی عملیاتی، تأثیرات منفی بر عملکرد عملیاتی شرکت دارد و ریسک ورشکستگی شرکت های با بحران مالی را افزایش می دهد؛ از این رو، این روش مدیریت سود واقعی باعث عدم اطمینان چشمگیری درباره توانایی شرکت برای تداوم فعالیت می شود؛ در نتیجه، احتمال اینکه حسابرس به موضوع ابهام در تداوم فعالیت شرکت در گزارش حسابرسی اشاره کند، افزایش می یابد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه نخست، با نتایج پژوهش ژو و همکاران [۵۲] و کیم و پارک [۳۸] سازگار است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان دادند مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه های تولید بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی تأثیر معنادار ندارد. در توجیه نتیجه به دست آمده دو استدلال مطرح می شود؛ نخست، به نظر می رسد در شرکت های مطالعه شده، هزینه های تولید جزء آن دسته از فعالیت های عملیاتی است که در سطح بهینه قرار دارند. در این شرایط، ممکن است عملکرد عملیاتی آتی شرکت، تنها به میزان ناچیزی از سایر شرکت ها متفاوت باشد؛ بنابراین، انتظار می رود از نظر حسابرسان، فعالیت های عملیاتی مربوط به هزینه های تولید، نمی تواند شاخصی از مشکلات احتمالی تداوم فعالیت شرکت مورد رسیدگی باشد. دوم، در

دارند گزارش های مالی را به صورت فرصت طلبانه گزارش کنند؛ چنین فرصت طلبی مدیریت در گزارشگری مالی، اغلب در مدیریت سود واقعی منعکس می شود [۴۴ و ۵۳]. به صورت درخور توجهی، انتظار می رود فرصت طلبی مدیریت که در مدیریت سود واقعی انعکاس می یابد، سطح شک و تردید حرفه ای حسابرسان را افزایش دهد. در نهایت، افزایش شک و تردید حرفه ای به احتیاط و محافظه کاری در گزارش حسابرس منجر می شود و در نتیجه، تمایل بیشتر وی به صدور گزارش حسابرسی با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت می شود [۵۲].

بنابراین، در پژوهش حاضر این انتظار وجود داشت که در شرکت های درمانده مالی، مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری فروش، هزینه های تولید و هزینه های اختیاری، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی را افزایش دهد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول نشان دادند مدیریت سود واقعی با دستکاری جریان های نقدی عملیاتی بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی تأثیر مثبت و معناداری دارد. به بیان دیگر، با افزایش سطح مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری جریان های نقدی عملیاتی، احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی افزایش می یابد. بر اساس ادبیات پژوهش، یکی از راهکارهای مدیریت برای افزایش حاشیه سود عملیاتی، مدیریت سود از طریق دستکاری فروش شرکت است که از طریق تسهیل شرایط فروش مانند اعطای تخفیفات گسترده به مشتریان و نیز شرایط فروش اعتباری آسان تر، به صورت موقت، فروش و سود دوره جاری افزایش می یابد؛

و پرهزینه باشد و شرکت با کاهش عملکرد عملیاتی بلندمدت از جمله کاهش سودآوری آتی مواجه شود؛ بنابراین، مدیریت سود واقعی به وسیله دستکاری هزینه‌های اختیاری تأثیرات زیان‌باری بر عملکرد شرکت دارد؛ به‌ویژه انتظار می‌رود هزینه‌های نهایی درگیر شدن با این شیوه مدیریت سود، برای شرکت‌های با سلامت ضعیف، بیشتر باشد و ریسک عدم تداوم فعالیت این‌گونه شرکت‌ها را افزایش دهد؛ از این‌رو، مدیریت سود واقعی با دستکاری هزینه‌های اختیاری، می‌تواند از جمله شاخص‌های غیرمالی باشد که باعث ایجاد تردید نسبت به تداوم فعالیت شرکت شود و بر صدور گزارش حسابرسی حاوی بند ابهام در تداوم فعالیت تأثیرگذار باشد. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه، با نتایج پژوهش ژو و همکاران [۵۲] و کیم و پارک [۳۸] سازگارند.

پیشنهاد‌های پژوهش

بر اساس یافته‌های پژوهش به سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان پیشنهاد می‌شود ابتدا به بررسی اظهارنظر حسابرسان درباره شرایط تداوم فعالیت شرکت بپردازند و در صورتی که در گزارش حسابرسی شرکتی به موضوع ابهام در تداوم فعالیت اشاره شده باشد، به وجود مدیریت سود از طریق فعالیت‌های واقعی و پیامدهای آن آگاه باشند و بر مبنای آن به اتخاذ تصمیمات مبادرت ورزند. همچنین، به سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود با آموزش حسابرسان خود، شرکت‌های رسیدگی‌شونده را از پیامدهای منفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی آگاه سازند. به سازمان بورس اوراق بهادار تهران نیز پیشنهاد می‌شود به منظور بهبود کیفیت اطلاعات حسابداری

صورت تولید بیشتر برای کاهش بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته، شرکت متحمل هزینه سرمایه بیشتر، هزینه‌های انبارداری بی‌مورد، تعمیرات زیاد و هزینه سنگین راکدشدن سرمایه در موجودی کالا می‌شود که همه این موارد به افزایش نسبت هزینه‌های تولید سالیانه به فروش و خروج جریان‌های نقدی آتی منجر می‌شود؛ از این‌رو، مدیریت سود واقعی از طریق تولید بیش از اندازه، می‌تواند پرهزینه باشد. برخی مطالعات پیشین نیز نتیجه گرفتند که شرکت‌ها با کاهش هزینه‌های اختیاری نه با تولید بیش از اندازه، مبادرت به مدیریت سود واقعی می‌کنند؛ برای مثال، مکاینز و کالینز [۴۱] و چان و همکاران [۱۹]. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم، با نتایج پژوهش ژو و همکاران [۵۲] و کیم و پارک [۳۸] مغایر است.

نتایج آزمون فرضیه سوم، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنادار مدیریت سود واقعی از طریق دستکاری هزینه‌های اختیاری (کاهش هزینه‌های اختیاری) بر احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی است. طبق ادبیات پژوهش، یکی دیگر از راهکارهای مدیریت برای افزایش سود، کاهش هزینه‌های اختیاری است. فرض بر آن است در صورت فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود واقعی با کاهش هزینه‌های اختیاری، شرکت از طریق بازگشت این هزینه‌ها در سال بعد از کاهش، درصدد جبران آن شود که با توجه به مواردی همچون از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در زمان مناسب و قوی‌تر شدن رقبا در عرصه رقابت در دوره کاهش هزینه‌ها، به احتمال زیاد شرکت قادر به جبران نیست؛ بنابراین، انتظار می‌رود کاهش در هزینه‌های اختیاری به دلیل مدیریت سود، کمتر از حد مطلوب

اینکه اطلاعات مربوط به هزینه تحقیق و توسعه از صورت‌های مالی شرکت‌های جامعه آماری، استخراج‌شدنی نبوده (به دلیل عدم طبقه‌بندی دقیق برای هزینه‌های تحقیق و توسعه در صورت‌های مالی شرکت‌ها)، به‌ناگزیر از این معیار، صرف‌نظر و از هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به‌عنوان هزینه‌های اختیاری استفاده شده است.

منابع

۱. آشتاب، علی، حقیقت، حمید و غلامرضا کردستانی. (۱۳۹۷). مقایسه ابزارهای مدیریت سود در شرکت‌های بحران‌زده و شرکت‌های سالم. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۸(۴)، صص ۳۶۲-۳۴۵.
۲. جودی، سمیرا و غلامرضا منصورفر. (۱۳۹۹). نقش کیفیت حسابرسی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و ابعاد آگاهی‌دهندگی و فریبندگی مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۲(۱)، صص ۱۹-۳۸.
۳. خانی، ذبیح‌الله، صدری، ندا و حسین رجب‌دری. (۱۳۹۹). رابطه کیفیت حسابرسی (اندازه مؤسسه حسابرسی، تخصص حسابرسان در صنعت و دوره تصدی حسابرسان) و حق‌الزحمه غیرعادی حسابرسان با اظهارنظر حسابرسان نسبت به تداوم فعالیت. مجله دانش حسابرسی، ۲۰(۷۹)، صص ۲۵۸-۲۴۱.
۴. رحمانی، علی و منیژه رامشه. (۱۳۹۲). رابطه جایگزینی میان مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و مدیریت فعالیت‌های واقعی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۰(۴)، صص ۶۰-۳۹.
۵. رهنمای رودپشتی، فریدون و علیخانی، راضیه و مهدی مران‌جوری. (۱۳۸۸). پیش‌بینی ورشکستگی آلتمن و فالمر در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۶(۵۵)، صص ۳۴-۱۹.

و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مالی شرکت‌ها، الزامات گزارشگری مالی و نحوه افشا به‌نحوی تدوین شوند که امکان استفاده مدیریت شرکت از ابزارهای گزارشگری مالی برای دستکاری ارقام حسابداری و فعالیت‌های واقعی، حداقل شود. با توجه به تأثیرات منفی مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی بر عملکرد آتی شرکت‌ها، پیشنهاد می‌شود مطالعات آتی به بررسی نقش تعدیل‌کننده معیارهای عملکرد آتی نظیر جریان‌های نقد عملیاتی آتی و سودآوری آتی بر رابطه بین مدیریت سود واقعی و اظهارنظر حسابرسی درباره تداوم فعالیت شرکت بپردازند. با توجه به وجود چندین مدل برای اندازه‌گیری سطح دستکاری فعالیت‌های واقعی، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، از سایر مدل‌های اندازه‌گیری مدیریت سود واقعی نظیر گانی [۲۹] و سریواستاوا [۴۷] استفاده شود.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های ۵۵ شرکت درمانده مالی پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است و دربرگیرنده همه شرکت‌ها و طبقات صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران نیست؛ بنابراین، باید به هنگام تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش به سایر شرکت‌ها و صنایع، این مسئله را مدنظر قرار داد. همچنین، با توجه به کاهش تعداد شرکت‌های نمونه به‌علت شرایط خاص درماندگی، امکان برآورد شاخص‌های مدیریت سود واقعی برای هر صنعت به‌صورت جداگانه میسر نبود. درنهایت، هزینه‌های اختیاری شامل هزینه‌های اداری، عمومی و فروش و هزینه‌های تحقیق و توسعه است؛ اما با توجه به

15. Asquith, P., Gertner, R., & D. Scharfstein. (1994). Anatomy of Financial Distress: An Examination of Junk-bond Issuers. *Quarterly Journal of Economics*, 109(3), 1189-1222.
16. Bellovary, J., Giacomino, D., & Akers, D. (2006). Weighing the public interest: Is the going concern opinion still relevant? *The CPA Journal*, 76(1), 16-21.
17. Bamber, L. S., Jiang, J., & Wang, I. Y. (2010). What's my style? The influence of top managers on voluntary corporate financial disclosure. *The accounting review*, 85(4), 1131-1162.
18. Carson, E., Fargher, N. L., Geiger, M. A., Lennox, C. S., Raghunandan, K., & Willekens, M. (2013). Audit Reporting for Going-Concern Uncertainty: A Research Synthesis. *A Journal of Practice & Theory*, 32, 353-384.
19. Chan, L. H., Chen, K. C. W., Chen, T. Y., & Yu, Y. (2015). Substitution between real and accruals-based earnings management after voluntary adoption of compensation clawback provisions. *The Accounting Review*, 90(1), 147-174.
20. Charitou, A., Lambertides, N., & Trigeorgis, L. (2011). Distress Risk, Growth and Earnings Quality. *Abacus*, 47(2), 158-181.
21. Chi, W., Liscic, L.L. & Pevzner, M. (2011). Is enhanced audit quality associated with greater real earnings management? *Accounting Horizons*, 25(2), 315-335.
22. Cohen, D.A. & P. Zarowin. (2010). Accrual-based and real earnings management activities around seasoned equity offerings. *Journal of Accounting and Economics* 50, 2-19.
23. Cohen, D.A., Dey, A. & Lys, T.Z. (2008). Real and accrual-based earnings management in the preand post-Sarbanes-Oxley Periods. *The Accounting Review*, 83(3), 757-787.
24. Dechow, P., Sloan, R., & Sweeney, A. (1995). Detecting earnings management. *The Accounting Review*, 70(2), 193-225.
25. DeFond, M. L., Raghunandan, K., & Subramanyam, K. R. (2002). Do Non-Audit Service Fees Impair Auditor Independence? Evidence from Going Concern Audit Opinions. *Journal of Accounting Research*, 40(4), 1247-1274.
۶. سلیمانی امیری غلامرضا و مریم رهنما. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین اظهارنظر حسابرسی و مدیریت سود واقعی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. اولین همایش ملی حسابرسی و نظارت مالی ایران، دانشگاه فردوسی مشهد.
۷. عربی مزرعه‌شاهی، رقیه. (۱۳۸۹). افزایش توان قضاوت حسابرسان در اظهارنظر نسبت به تداوم فعالیت شرکت‌ها با استفاده از مدل‌های آماری پیش‌بینی ورشکستگی به‌عنوان یک روش تحلیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۸. علی‌اکبرلو، علیرضا، منصورفر، غلامرضا و فرزاد غیور. (۱۳۹۹). مقایسه معیارهای تشخیص شرکت‌های درمانده مالی با استفاده از رگرسیون لجستیک و روش‌های هوش مصنوعی. نشریه چشم‌انداز مدیریت مالی، ۱۰(۲۹)، صص ۱۴۷-۱۶۶.
۹. کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۶). استانداردهای حسابرسی، سایر خدمات اطمینان‌بخشی و خدمات مرتبط. تهران: اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی.
۱۰. مرادی، محمد، اصولیان، محمد و محمد نوروزی. (۱۳۹۳). اظهارنظر حسابرس و مدیریت سود با تأکید بر ابهام در تداوم فعالیت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۳)، صص ۳۲۸-۳۱۳.
11. Altman, E.I. (1968). Financial ratios, discriminant analysis and the prediction of corporate bankruptcy. *The Journal of Finance*, 23(4), 589-609.
12. Altman, E.I. (1984). A further empirical investigation of the bankruptcy cost question. *The Journal of Finance*, 39(4), 1067-1089.
13. Altman, E. I., & McGough, T. (1974). Evaluation of a company as a going concern. *Journal of Accountancy*, 138(6), 50-57.
14. Andrade, G., & S. Kaplan. (1998). How costly is financial (not economic) distress? Evidence from highly leveraged transactions that became distressed. *The Journal of Finance*, 53(5), 1443-1493.

37. Kaplan, S.E., & Williams, D.D. (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. *The Accounting Review*, 88(1), 199-232.
38. Kim, Y. & Park, M. (2014). Real activities manipulation and auditors' Client-Retention decisions. *The Accounting Review*, 89(1), 367-401.
39. Kothari, S.P., Leone, A.J. & Wasley, C.E. (2005). Performancematcheddiscretionary accruals measures. *Journal of Accounting and Economics*, 39(1) 163-197.
40. Lennox, C. (1999). The accuracy and the incremental information content of audit reports in predicting bankruptcy, *Journal of Business Finance and Accounting*, 26, 757-778.
41. McInnis, J., & Collins, D. W. (2011). The effect of cash flow forecasts on accrual quality and benchmark beating. *Journal of Accounting and Economics*, 51, 219-239.
42. Musvoto, S. Wedzerai, Campus, V. Triangle & Gouws, D. G. (2011). Rethinking the Going Concern Assumption as A Pre-Condition For Accounting Measurement. *The 2011 Maui International Academic Conference Maui, Hawaii, USA*.
43. Mutchler, J.F. (1985). A multivariate analysis of the auditor's going concern opinion decision. *Journal of Accounting Research*, 23(2): 668-682.
44. Roychowdhury, S. (2006). Earnings management through real activities manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42(3), 335-370.
45. Ruiz-Barbadillo †, E., Gómez-Aguilar, N., De Fuentes-Barberá, C., & García-Benau, M. A. (2004). Audit quality and the going-concern decision-making process: Spanish evidence. *European Accounting Review*, 13(4), 597-620.
46. Simamora, R.A., & Hendarjatno, H. (2019). The effects of audit client tenure, audit lag, opinion shopping, liquidity ratio, and leverage to the going concern audit opinion. *Asian Journal of Accounting Research*, 4(1), 145-156.
47. Srivastava, A. (2019). Improving the measures of real earnings management. *Review of Accounting Studies*, 24(4), 1277-1316.
26. DeFond, M. L., Lim, C. Y., & Zang, Y. (2016). Client Conservatism and Auditor-Client Contracting. *The Accounting Review*, 91(1), 69-98.
27. Feng, M. & Li, C. (2014). Are auditors professionally skeptical? Evidence from auditors' going concern opinions and management earnings forecasts. *Journal of Accounting Research*, 52(5), 1061-1085.
28. Francis, J.R. & Krishnan, J. (1999). Accounting accruals and auditor reporting conservatism. *Contemporary Accounting Research*, 16(1), 135-165.
29. Graham, J.R., Harvey, C.R. & Rajgopal, S. (2005). The economic implications of corporate financial reporting. *Journal of Accounting and Economics*, 40(1), 3-73.
30. Greiner, A., Kohlbeck, M. & Smith, T. (2017). The relationship between aggressive real earnings management and current and future audit fees. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 36(1), 85-107.
31. Gunny, K. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, 27(3), 855- 888.
32. Hossain, M., Raghunandan, K., & Rama, D. V. (2020). Abnormal disclosure tone and going concern modified audit reports. *Journal of Accounting and Public Policy*, 39(4), 106764.
33. Hopwood, W., McKeown, J.C. and Mutchler, J. (1991). Towards an explanation of auditor failure to modify the audit opinions of audit qualifications. *A Journal of Practice and Theory*, 1-13.
34. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305-360.
35. Jiang, W., Rupley, K. H., & Wu, J. (2010). Internal control deficiencies and the issuance of going concern opinions. *Research in Accounting Regulation*, 22(1), 40-46.
36. Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29(2): 193-228.

52. Xu, H., Dao, M., & Wu, J. (2018). The effect of real activities manipulation on going concern audit opinions for financially distressed companies. *Review of Accounting and Finance*, 17(4), 514-539.
53. Zang, A.Y. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, 87(2), 675-703.
54. Zavgren, C. (1983). The prediction of corporate failure: the state of the art. *Journal of Accounting Literature*, 2, 1-38.
55. Zhang, W. (2008). Real activities manipulation to meet analysts' cash flow. Available at SSRN: 1013228.
48. Vanstraelen, A. (1999). The Auditor's Going Concern Opinion Decision: A Pilot Study. *International Journal of Auditing*, 3(1), 41-57.
49. Wooldridge, J. M. (2002). *Econometric Analysis of Cross Section and Panel Data*, Cambridge, MA: The MIT Press.
50. Wruck, K. H. 1990. Financial distress, reorganization, and organizational efficiency. *Journal of Financial Economics*, 27(2), 419-444.
51. Xu, Ch., Zhang, H., Hao, J. & Guo, L. (2021). Real earnings management in bankrupt firms. *Corporate Accounting & Finance*, 32(2), 22-38.

